

# کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب

سهم گیری موثر سکتور خصوصی در انکشاف افغانستان

## خلاصه میز های مدور مشورتی با سکتور خصوصی (تجارت و جامعه مدنی)

خلاصه گزارش ایکه برای کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب تهیه شده است

### 1. مشوره های که با تصدی های کوچک و متوسط داخلی در سرتاسر افغانستان انجام شد

رقابت کنند، معاملات فعلی فروش زمین از طریق مزایده امکان دسترسی شان به زمین مورد نیاز را محدود می سازد.

در حمایت از کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب، اداره حمایت از سرمایه گذاری (آیسا) یک سلسله میزگرد های مشورتی را با تصدی های کوچک و متوسط داخلی تنظیم کرد. در سال جاری سه جلسه (14 و 27 فبروری یعنی 25 دلو و 8 حوت 1385 و یک جلسه بزرگتر در 28 مارچ یعنی 8 حمل 1386) در کابل برگزار شد. باقی میزگرد های مشورتی در خارج از کابل برگزار شد: در جلال آباد (18 اپریل یعنی 29 حمل)، در هرات (22 اپریل یعنی 2 ثور) و در مزار شریف (6 اپریل یعنی 17 حمل 1386). با بیشتر از 90 تصدی های کوچک و متوسط در این چهار ولایت مشوره صورت گرفت.

"تجربه نشان میدهد که اکثر زمین به افراد فروخته می شود، از لحاظ نظری، برای اهداف تجاری. اما در واقع بعد از خریداری آن، زمین به خارجی ها/آنها بیکه از خارج آمده اند برای پیدا کردن پول به کرایه داده می شود."

• **دسترسی به وجوه مالی:** دسترسی به وجوه مالی نیز از عین اهمیت برخوردار است. برای میزان بالای سود و مدت کوتاه قرضه (یک سال)، این برای تصدی های کوچک و متوسط قابل اجراء و عملی نیست که از بانک های خصوصی یا دولتی قرض بگیرند. بر علاوه میزان بالای سود، طرز العمل های سنگین اداری (طور مثال، بدست آوردن اوراق ضروری برای پیش برد امور مربوط به قرض) ضرورت است تا به وزارت خانه مختلف و دفتر شهرداری بروید و همچنان باید به کارمندان حکومتی پول پردازید تا کارتان را انجام بدهند. تصدی های کوچک و متوسط داخلی خود را در اشد احتیاج به قرضه ها میدانند.

این گزارش نتایج میزگرد های مشورتی را توضیح میدهد که به منظور مشوره با سکتور تجارت خصوصی در رابطه به مسایل که با آن مواجه اند و همچنان برای استنباط پیشنهادات و اقدامات پیشنهادی برای توانمند سازی تصدی های خصوصی در افغانستان ترتیب شده بود.

### تحلیل مسایل

در جریان مشوره ها با تصدی های کوچک و متوسط داخلی (سکتور های قالدین، سنگ تراشی، میوه خشک و مغزیات، بازسازی و ارایه خدمات، حمل و نقل و تولیدات) در این چهار شهر، موانع ذیل تشخیص شد:

"حکومت باید میان تولید کنندگان و آنها بیکه پول پیدا می کنند و کارشان تنها وارد کردن اموال است که در داخل هم میتواند تولید شود، است فرقی قایل شود. خصوصاً حکومت باید حد اقل از طریق پایین آوردن میزان سود 12% در قرضه ها تولید کنندگان داخلی را حمایت کند."

• **عدم دسترسی به تکنالوژی پیشرفته: ماشین آلات/وسایل و معلومات:** در صورت نبود زمین، و به همین ترتیب شرکت های که بصورت درست مجهز با وسایل باشند، تولید و پروسس با استفاده از تکنیک های قدیمی دستی صورت می گیرد. این کیفیت تولیدات را بصورت منفی متاثر می سازد. در نتیجه، میوه خشک و مغزیات که در داخل پروسس و بسته بندی شده است از لحاظ کیفیت با معیار های بین المللی برابر نبوده و افزایش صادرات محدود می گردد.

• **دسترسی به زمین:** در جلال آباد، مزار شریف و کابل مسئله دسترسی به زمین منحصی یک اولویت برای توسعه سکتور خصوصی در افغانستان تشخیص گردید. پروسس و نگهداری اموال ساخت محل به شرکت، وسایل و کدام ها ضرورت دارند؛ در صورت نبود زمین، امکان ایجاد این تسهیلات نمی رود. در نتیجه، اکثر شرکت ها در حال حاضر یا در نزدیکی و یا هم در درون محلات مسکونی واقع شده اند. از آنجاییکه تصدی های کوچک و متوسط داخلی قادر نیستند تا با بازی کننده های بزرگتر

در چهار شهر، اشتراک کنندگان بر ضرورت ارتقای ظرفیت تصدی های کوچک و متوسط داخلی تاکید

داشتند. در حال حاضر، موسسات دولتی دوره های آموزشی تکنیکی مورد ضرورت را در رابطه به استفاده از ماشین آلات عصری یا در رابطه به مهارت های تجارت (اداره، محاسبه و غیره) ارائه نمی دارند.

- **مالیات بلند، مبهم و متناقض:** نظام مالیاتی موجود "غیر واضح" و "نا منظم" توصیف شده است و مقامات مربوطه حکومتی تلاش اندکی به خرج داده اند تا این وضعیت را بهبود ببخشند. این گفته شده است که تقریباً بدست آوردن نقل از قوانین مالیات از وزارت مالیه که داشتن آن قبل از معامله با کارمندان حکومتی در گمرکات و محلات دیگر جمع آوری مالیات مهم است، تقریباً یک امر ناممکن می باشد.

نظام مالیاتی موجود شرکت های نو تاسیس را در برابر تولیدات وارداتی نهایی شده حمایت نمی کند. نه تنها شرکت های داخلی 8 فیصد مالیه بر تولیدات را میبرازند که این ها باید 25 فیصد مالیه بر عواید خالص در آخر هر سال مالی را نیز باید بپردازند.

مالیات متناقض بر صادرات منحصبت یک مانع کلیدی در انکشاف شرکت های داخلی تشخیص گردیده است. در گذشته، مالیه صادرات تنها 2 فیصد ارزش کلی تولیدات بود. در حال حاضر، 16 فیصد تمام ارزش صادرات را در گمرکات منحصبت اعانه و سهمگیری "رضاکارانه" برای هلال احمر افغانستان میگیرند.

- نبود پالیسی های ترانزیتی: در حال حاضر، کامیون (لاری) های افغانستان اجازه عبور از مرز به قصد کشور های همسایه بنا بر ملحوظات امنیتی، خصوصاً برای مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر غیر قانونی، را ندارند. اموال که به خارج از کشور صادر می شوند اجازه ندارند که در کانتینر ها مهر و لاک شوند؛ در نتیجه، اموال تا زمانیکه به مصرف کنندگان میرسند خراب می شوند. طور مثال، در رابطه به صدور میوه خشک و مغزیات، در جریان ترانزیت تولیدات شان از راه پاکستان به هند از طریق سرک، تجار باید از کابل الی هند باید اموال شان را پنج مرتبه بارگیری کنند.

با استفاده از خدمات هوایی، انتقال اموال معمولاً سه ماه را در برمیگیرد اصولاً برای تهیه اسناد و اوراق لازم. بر علاوه آن، استفاد از "آریانا" برای انتقال محموله ها هزینه سنگین دارد. در صورت نبود یک توافق میان آریانا و خطوط هوایی خارجی، انتقال محموله های خارج از ساحه پرواز آریانا غیر ممکن است. در نتیجه، برای جلوگیری از ضیاع وقت و طرز العمل های پر هزینه شرکت ها ترجیح میدهند که برای رسیدن به بازار های جهانی از راه پاکستان استفاده کنند.

- فساد همه گیر: فساد اداری در تمام چهار شهر منحصبت یکی از موانع عمده فرا راه توسعه تصدی های کوچک و متوسط در افغانستان تشخیص شد. هر گاهیکه به کارمندان حکومتی برای تکمیل کار های اداری شان معامله میکنند، به این مشکل مواجه می شوند.

برای اینکه اوراق و اسناد ضروری قرضه را تکمیل کند، در بعضی از موارد تصدی ها باید به کارمندان بانک و همچنان شهرداری کابل رشوه بپردازد تا اسناد قرضه برایش صادر شود.

بر اساس تصدی های کوچک و متوسط داخلی، طرز العمل های پیچیده اداری فرصت های زیادی برای رشوه ستانی را مساعد می سازد. طور مثال، پست

های تلافی متعددی در مسیر راه ها وجود دارد که دلیل آن (بر اساس تمام ظواهر) جمع آوری عواید غیر قانونی است.

- فقدان پالیسی های حکومت برای حمایت از سکتور خصوصی داخلی: در تمام این چهار شهر روی مسئله ضرورت وضع پالیسی های حکومتی برای حمایت از سکتور خصوصی داخلی در برابر اموال نهایی شده وارداتی تاکید صورت گرفت، خصوصاً توسط سکتور قالین و سنگ تراشی.

- **فقدان معیار های کیفی:** در تمام این چهار شهر، تصدی های کوچک و متوسط داخلی روی مسئله اهمیت طرز العمل معیار های کیفی تاکید داشتند که در حال حاضر در افغانستان وجود ندارد. طور مثال، در نبود تصدیق معیار های کیفی رسمی توسط حکومت، تجار افغانی میوه خشک و مغزیات خود را به قیمت نازل به عمده فروشانی میدهند که تصدیق خود را از وزارت صحت کشور هند بدست آورده اند.

- **تناقض در تطبیق قوانین:** تصدی های کوچک و متوسط داخلی در رابطه به اجرای ثبت نام و طرز العمل صدور مجوز در کابل و ولایات تجربه های متفاوت دارند. طوریکه توسط یکی از اشتراک کنندگان مطرح شد: "ما یک حکومت اما 20 نوع تطبیق یک قانون را داریم."

گرچه یک نوع طرز العمل برای ثبت نام ساخته شده است که از طریق دفاتر ساحوی اداره حمایت از سرمایه گذاری (ایسا) پیشبرده می شود، مجوز که اخذ میگردد اکثراً در ولایات همجوار مدار اعتبار نمی باشند. در نتیجه، از شرکت ها و موسسات خواسته می شود که نزد مقامات ولایتی و ولسوالی یعنی در جا های که تجارت شان قرار میگیرد ثبت و راجستر کنند.

- **طرز العمل های سنگین اداری:** گرچه اداره حمایت از سرمایه گذاری (ایسا) در یک مدت کوتاه به سکتور خصوصی مجوز صادر می کند، تقریباً سه الی چهار ماه ضرورت است تا از وزارت خانه های مربوطه تصدیق منحصر به سکتور که برای فعالیت ها ضرورت است را بدست بیاورید. این در میزگرد مشورتی در کابل و نیز در جلال آباد مطرح شد که دادن رشوت زمان برای صدور یک مجوز را به حد اقل آن کاهش میدهد. طرز العمل های صادرات نیز نیاز به وقت دارد.

"تقریباً 12 الی 15 روز ضرورت است تا اسناد ضروری را تهیه و امضاء های لازم از مقامات حکومتی را برای صادر کردن سنگ بدست آورد. در میان خریداران و تجار خارجی کی آماده است که برای این مدت طولانی انتظار بکشند؟"

- **فقدان امنیت برای فعالیت های سکتور خصوصی:** در این چهار شهر، امنیت منحصبت یکی از موانع بزرگ فرا راه توسعه سکتور خصوصی داخلی، و همچنان برای جذب سرمایه گذاری های خارجی مورد نیاز مطرح شد.

"ما در مورد امنیت کلی نه، بلکه در مورد امنیت تجارت سکتور خصوصی صحبت می کنیم. بعضی اوقات ما باید به قومندانان محلی مالیات غیر رسمی بپردازیم و همچنان تجارت ما از طرف گروه های جنایت کار زیر تهدید است. از اینرو، امنیت تجار داخلی و بین المللی باید تضمین گردد."

- **زیر پنا:** دسترسی یکسان به انرژی و بلند بودن قیمت انرژی منحصبت مشکلات در مزار شریف، جلال آباد و کابل مطرح شد. در صورت نبود انرژی، از جزراتور ها استفاده می شود که مواد

## 2. مشوره ایکه با موسسات بومی جامعه مدنی انجام شد

در حمایت از کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب، بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی (FCCS) در هماهنگی با مجتمع جامعه مدنی افغانستان یک میز گرد مشورتی را به تاریخ 4 اپریل 2007 مصادف به 15 حمل 1386 با موسسات بومی جامعه مدنی در کابل تنظیم کردند. این بخش مسایل را که در آن بحث شد توضیح میدهد.

### تحلیل مسایل

- فقدان یک میکانیزم مشورتی قبل از تصویب قوانین موسسات غیر دولتی و موسسات اجتماعی: مفهوم "موسسات اجتماعی" و موسسات غیر دولتی در افغانستان یک پدیده نسبتاً جدید است. اولین موسسه اجتماعی در افغانستان در سال 1989 تاسیس شد. اما قبل از فرستادن قوانین مربوطه برای استماع و تصویب به ولسی جرگه، هیچ نوع مشوره با موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی صورت نگرفت. قانون موسسات اجتماعی در سال 2003 و قانون موسسات غیر دولتی در سال 2005 نافذ گردید.

تصور بر این است که قانون جدید موسسات اجتماعی در شرایط فعلی افغانستان قابل تطبیق نیست. در مرحله بعد از منازعه که اکثر کمک های مالی اصولاً از منابع بین المللی تامین میگردد، بر مبنای این قانون موسسات اجتماعی اجازه ندارند که در تلاش وجوه مالی و جمع آوری اعانه از منابع خارجی باشند. گمان می رود که قانون سازان دارای معلومات ناکافی در رابطه به مأموریت و اهداف موسسات غیر دولتی و موسسات اجتماعی موجود و همچنان در مورد چالش های که حین تعامل با کارمندان حکومت با آن مواجه اند، می باشند. اما با وجود خلای موجود در قوانین، هنوز هم مشکل اصلی در تطبیق آنها نهفته است.

- قلت با کاملاً فقدان هماهنگی میان موسسات غیر دولتی بین المللی و موسسات اجتماعی: موسسات بزرگ زیادی در افغانستان تاسیس شده اند و تقریباً تمام آنها از بیرون رهبری میشوند. جامعه جهانی در راستای توانمند سازی موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی بصورت موثر سهم نگرفته است.

"در صورت نبود یک میکانیزم هماهنگی واضح در ولایات، ما مناطق داریم که 5 یا 6 موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی و بین المللی با برنامه های مشابه کار می کنند. در حالیکه نیازمندی ولایت همجوار به مراتب بیشتر است، اما هیچ یک آنجا فعالیت ندارند"

- عدم گفتگو میان تمویل کنندگان و دریافت کنندگان: در حال حاضر، پروسه توسعه و انکشاف را تمویل کنندگان در افغانستان گرداندگی می کنند. تمویل کنندگان نتوانسته اند که به موسسات بومی به سطح مردم حین طرح و ساخت پروژه ها/برنامه های شان گوش بدهند و اولویت های و برنامه های خود را تعقیب می کنند.

"در یکی از روستا ها مردم می گفتند که نیازمندی اولی آنها اعمار یک کانال آبیاری بود که میتوانستند با استفاده از آن آب کافی برای کشت و زراعت خود داشته باشند. اما موسسات غیر دولتی بین المللی برای شان یک باب مکتب اعمار کردند. اهالی این روستا می گفتند از اینکه برای سال ها اطفال شان را به قریه نزدیک به مکتب میفرستادند در حال حاضر به این مکتب ضرورت نبود"

- تصور غلط از موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی از جانب مردم عادی و کارمندان حکومتی: کارمندان حکومتی به این

سوخت آنها گران است. در پارک های صنعتی موجود در هرات، جاییکه 60 شرکت فعالیت می کنند، قیمت بلند انرژی و همچنان کمبود آب و سیستم تنظیم باطله ها منحصراً بخش های که به بهبود عاجل در پارک های صنعتی ضرورت دارند، مطرح شد.

- نبود خدمات بیمه: تصدی های کوچک و متوسط داخلی در این چهار شهر روی اهمیت داشتن خدمات بیمه در افغانستان تاکید داشتند که تاسیسات تولیدی، عراده جات و کارمندان را تحت پوشش قرار بدهد.

### پیشنهادات

- فراهم نمودن زمینه برای دسترسی سکتور خصوصی داخلی به زمین: (الف) اعمار پارک های صنعتی بیشتر؛ (ب) از بین بردن تعامل موجود فروش زمین از طریق مزایده؛ و (ج) فراهم نمودن قرضه های دراز مدت برای زمین.

- فراهم نمودن زمینه دسترسی به انرژی (برق): (الف) تخصیص سبسایدی (کمک های مالی)؛ (ب) انکشاف توانایی های محلی برای تولید انرژی؛ و (ج) خصوصی سازی سکتور انرژی.

- فراهم نمودن دسترسی به کمک های مالی: (الف) کاهش میزان بلند سود بر قرضه (12 فیصد) حد اقل توسط بانک های دولتی؛ (ب) تاسیس یک بانک انکشاف صنعتی که به سکتور خصوصی قرضه های دارای سود پایین فراهم کند؛ و (ج) تشویق استفاده از تصدیق/مجوز اداره حمایت از سرمایه گذاری (ایسا) منحصراً تضمین برای موجودیت و فعالیت تجارت.

- از بین بردن فساد: (الف) افزایش حقوق کارمندان حکومتی؛ و (ب) وضع جزا های سنگین برای آنانیکه دست به فساد میزنند.

- ساده ساختن طرز العمل های صدور مجوز منحصر به سکتور: تاسیس یک کمیته در داخل ایسا که نمایندگان تمام وزارت خانه های ذیصلاح در امور سکتور خصوصی را شامل گردد که مسولیت ثبت سکتوری تمام شرکت های خصوصی و صدور مجوز را دارند.

- حمایت از صنایع نوزاد داخلی: (الف) بلند بردن تعرفه ها یا متوقف ساختن اموال که مستقیماً با تولیدات داخلی رقابت می کنند؛ (ب) ارایه سبسایدی های (کمک های مالی) برای تولیدات داخلی از طریق معافیت از مالیه برای مدت پنج سال برای صنایع نوزاد؛ و (ج) برداشتن تعرفه ها بر مواد خام وارداتی.

- وضع پالیسی ترانزیت: (الف) جستجوی استفاده از راه های قدیمی برای واردات و صادرات (طور مثال واردات از چین با استفاده از ولایت بدخشان بعوض کراچی)؛ و (ب) تاسیس یک موسسه دولتی مسول در ارتباط به مهر و لاک کردن کانتینر ها و عراده جات. تصدیق این موسسه نه تنها در داخل افغانستان، بلکه در کشور های همسایه نیز باید مدار اعتبار باشد.

- بهبود امنیت سکتور خصوصی: (الف) به سرمایه گذاران/تجار خصوصی اجازه داده شود که برای دفاع از خود اسلحه ناریه داشته باشند؛ (ب) تشویق بیشتر جهانی برای بلند بردن ظرفیت های اردوی ملی افغان، و مهمتر از همه، پولیس ملی.

- ساده ساختن قوانین مالیه بر عواید، گمرکات و بانکداری و تطبیق آنها

باور اند که موسسات غیر دولتی، موسسات انتفاعی هستند و برای پیگیری اهداف مشخص تاسیس شده اند. این بر اعتبار و تصور از موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی در کشور بازتاب منفی ارایه میکند.

نه تنها در داخل حکومت، بلکه در میان موسسات اجتماعی و موسسات غیر حکومتی در مورد نقش و مسولیت های شان وجود دارد.

"حکومت باید بداند که موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی می توانند که حین تطبیق یک طیف وسیع از پروژه ها برای حکومت یک سرمایه بزرگ باشند، خصوصاً در ساحات که حضور حکومت محدود است."

● فقدان هماهنگی میان وزارت خانه های مربوطه: ثبت نام و مجوز دهی سطح ملی ضمانت نمی کند که به سطح و لایات دیگر مشکلات وجود ندارد.

"گرچه هر موسسه فعال نزد وزارت خانه های مربوطه به سطح ملی ثبت شده اند، اما فقدان هماهنگی میان کارمندان در مرکز و لایات برای موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی مشکلات ایجاد می کند. طور مثال، برای اجرای یک پروژه زراعتی ما باید به ریاست زراعت و لایاتی برویم که بر علاوه نصب یکی از کارمندان شان برای کار در این پروژه از ما تقاضای پول می کنند."

● عدم حمایت از جانب حکومت: فقدان حمایت از موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی توسط حکومت محسوس است. کارمندان حکومتی تصور می کنند که موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی "مخالفین" آنها هستند، و روابط موجود میان این دو بر اساس عدم همکاری و در بعضی حالات خصمانه است.

"این تقریباً نزدیک به غیر ممکن است که حمایت حکومت را بدست بیاوریم، حتی اگر مسئله روی تشریح اسناد لازم مربوط به موسسات ما نیز باشد. طور مثال، اگر شما به وزرات عدلیه بروید، سال ها در بر خواهد گرفت که شما نقل از قوانین موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی را خریداری کنید."

● کنترل قوی دولت بر فعالیت های موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی: حکومت حتی در امور مربوط به ساختن اساسنامه یک موسسه نیز دخیل می شود. طوریکه در قانون ذکر شده، وقتی که اساسنامه تسلیم می شود این توسط کارمندان حکومت تسلیم گرفته می شود.

"کارمندان حکومت ما را مجبور به تقدیم مواد می کنند که به اساسنامه موسسه ما ارتباط ندارد. طور مثال، مکلیت، تعداد کارمندان و معاشات و مزد آنها - حتی تعداد چوکی ها و میز ها در دفاتر."

"کارمندان حکومت فکر می کنند که چون اینها به موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی مجوز صادر کنند، یک نوع صلاحیت بالای ما دارند. در حالیکه، این تقریباً ناممکن است که کارمندان حکومتی را در کنفرانس ها و جلسات که توسط موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی تنظیم شده است با خود داشته باشیم. یک کارمند حتی گفت که این پایتزر از مقام او خواهد بود که از دفتر یکی از موسسات اجتماعی یا موسسات غیر دولتی بازدید کند و اگر آنها میخواهند که من در جلسه اشتراک کنم، پس باید جلسه شان را در یک مسجد دایر کنند."

"حکومت فکر می کند که موسسات غیر دولتی و موسسات اجتماعی پروژه های ساختمانی را برای پر کردن جیب های خود اجراء می کنند. حکومت اختلاف شیوه اعمار موسسات غیر دولتی را نمی داند. به فهم ما کارهای ساختمانی تنها کار ملموس نیست که موسسات غیر دولتی ارایه می دارند و چیزی که شرکت های خصوصی ساختمانی نمی تواند، همچنان تاسیس سیستم های نگهداری. حکومت باید بداند که شیوه موسسات غیر دولتی مناسب است و بالای اعمار توسعه به سطح مجتمع تمرکز می کند."

● مالیه بر فعالیت های زیربنایی که توسط موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی و بین المللی اجراء میگردد: در تعدیل پیشنهادی جدید به قانون این مسئله واضح نیست که آیا مالیه بر مواد ساختمانی وارداتی وضع میگردد یا بر ارزش مجموعی پروژه های ساختمانی؟

● مقتضیات سنگین برای ثبت نام و گزارش دهی: برای حکومت واضح نیست که برای تکمیل کردن یک درخواست ثبت نام چی معلومات ضرورت است. درخواست های پی در پی جدید برای اسناد وجود دارد. چارچوب زمانی ثبت نام فرق می کند: بعضی از موسسات میتوانند که ثبت نام بکنند و در مدت پنج الی شش روز مجوز بدست بیاورند (البته اگر 300 دالر پرداخته باشند)، و برای بعضی ها این یک طرز العمل یازده ماهه است. اما بر اساس قانون که امور مربوط به موسسات غیر دولتی را تنظیم می کند، درخواستی باید طی مدت شش ماه پروسس گردد.

"شرایط و مقتضیات زیادی وجود دارد که در قانون تصریح نشده است. وقتی که شما میخواهید طرز العمل های ثبت نام را در مطابقت با قانون توضیح بکنید، کارمندان حکومت غضب می شوند و پروسه ثبت نام را بیشتر پیچیده می سازند."

"در ابتداء توسط حکومت معلومات واضح در مورد اینکه چی معلومات برای تکمیل درخواستی ضرورت است، ارایه نشده است. واقعیت موجود این است که وقتی که شما یک سند را تکمیل و تسلیم می کنید، روز بعد سند دیگری وجود دارد، و به روز بعدی سندی دیگری پیدا می شود. حکومت باید برای ما معلومات کامل فراهم کند که چی چیز ضرورت است تا درخواستی را در مرحله اول تکمیل کنیم."

گزارش چندین مرتبه بی در مودر چگونگی فعالیت های یک موسسه غیر دولتی کاملاً ضیاع وقت است.

"تقریباً تمام وزارت خانه های حکومتی به شمول حکومت های ولایتی به نوبه خود گزارش تقاضا می کنند. حتی وزارت داخله و استخبارات گزارش میخواهد که در آن معلومات مفصل در مورد کارمندان، معاشات کارمندان و بودجه موسسه وجود داشته باشد."

● فقدان دسترسی به وجوه مالی برای موسسات اجتماعی بومی: بر اساس قانون موسسات اجتماعی، اینها حق ندارند که از منابع بین المللی اعانه جمع آوری بکنند. این ماده مانع توسعه موسسات اجتماعی بومی می شود، خصوصاً با توجه به این واقعیت که اکثر وجوه مالی مورد نیاز برای فعالیت های موسسات بومی از منابع بین المللی بدست می آید.

● فقدان درک واضح از جانب حکومت در مورد نقش و مسولیت های موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی: فقدان فهم و درک

## پیشنهادات

"ببینش تمویل کنندگان کوتاه و تمرکز شان غیر متوازن شده است: طور مثال در سکتور خصوصی در نظر نگرفتن نیازمندی های اساسی مردم روستایی که هنوز هم راضی نشده اند."

- فقدان هماهنگی بین مجتمع موسسات غیر دولتی بین المللی/ نبود یک هیئت واحد برای هماهنگی پالیسی و حمایت مربوط به هم و یکسان: در میان موسسات غیر دولتی بین المللی فقدان یک هماهنگی محسوس است که روابط با کارمندان حکومتی را پیچیده می سازد. اکثر موسسات غیر دولتی به تنهایی خود عمل می کنند.

"بیانات عامه که گویا موسسات غیر دولتی بین المللی اکثر پول های انکشافی را سوء استفاده می کنند، اعتماد میان مجتمعات و موسسات غیر دولتی را از میان می برد."

- فقدان اشخاص واجد شرایط در محل: موسسات غیر دولتی برای ارتقای ظرفیت های محلی منابع را تخصیص میدهند، تنها برای اینکه بعد از فراگیری آموزش ها آنها را از دست بدهند.

- فساد همه گیر: فساد همه گیر بوده و به سطح ولایات بسیار واضح می باشد.

- کم شدن فرصت برای ابتکار و پروژه های آزمایشی: توسعه که توسط خود تمویل کنندگان پیش برده می شود، فرصت کمتری را برای ابتکار و آغاز پروژه های آزمایشی باقی میگذارد.

- طرز العمل های سنگین گزارش دهی: گرچه موسسات غیر دولتی بین المللی در رابطه به ثبت نام مشکلات بزرگ را مواجه نمی شوند، اما بعضی از لازمه های غیر مرتبط و سنگین پنداشته می شود.

"در هرات، ریاست ولایتی وزارت از موسسات غیر دولتی ملی و بین المللی گزارش های زیادی تقاضا می کند، حتی با آنکه یک مکتوب توسط اکبر از وزارت اقتصاد در کابل گرفته و به موسسات غیر دولتی که در ولایت هرات فعالیت می کنند توزیع شد. در این مکتوب تذکر بعمل آمده است که از آنجاییکه دفاتر مرکزی این موسسات معلومات ضروری را به وزارت اقتصاد در کابل تسلیم داده اند، موسسات غیر دولتی که در هرات فعالیت می کنند مکلف به ارائه هیچ نوع گزارش نیستند. اما ریاست ولایتی وزارت از این هدايات پیروی نمی کند."

- تطبیق متناقض قوانین: قانون تدارکات مبهم است و با شرایط افغانستان (شرایط بعد از منازعه، جاییکه موانع ظرفیت ها قابل ملاحظه است) سازگاری ندارد.

- ناسازگاری در پرداخت وجوه مالی برای پروژه های که حکومت تمویل می کند: موسسات غیر دولتی در رابطه به تطبیق پروژه های که حکومت تمویل می کند به مشکلات زیادی مواجه اند. در بعضی موارد، پرداخت وجوه پولی تقریباً یک سال وقت میگیرد. (وجوه پولی توسط تمویل کنندگان به وزارت خانه ها انتقال داده می شود.)

- چارچوب مبهم و ناسازگار حقوقی: عدم سازگاری در قانون و در بعضی حالات تناقض در قوانین و خطوط راهنمایی برای تطبیق آنها، برای این است که کمک های تخنیکي خارجی برای تسوید قوانین هماهنگ شده نیستند.

- نبود میکانیزم برای توزیع معلومات: میکانیزم موجود برای انتقال معلومات کافی نیست. (مثلاً معلومات در رابطه به مزایه های که دولت اعلان می کند.)

1. حکومت مجبور شود تا تعديلات پیشنهادی موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی بر قوانین مربوطه را بررسی کند. تعديلات ده گانه بر قانون موسسات اجتماعی برای استماع به شورای ملی فرستاده شده است. اکبر تعديلاتی را بر قانون موسسات غیر دولتی پیشنهاد کرده است.

2. با موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی قبل از به اجرا گذاشتن قوانین مشوره صورت بگیرد. مطمئن شدن از اینکه قبل از تصویب قوانین موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی با این موسسات مشوره صورت گرفته است.

3. وضع طرز العمل های یکسان برای موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی.

4. تاسیس یک میکانیزم برای تطبیق درست قوانین.

5. تاسیس یک میکانیزم گزارش دهی یکسان و یک شخص مرتبط در وزارت اقتصاد. از طریق این شخص مرتبط وزارت خانه های مربوطه به موسسات غیر دولتی بومی و بین المللی برای معلومات ضروری دست خواهند یافت، بجای اینکه مستقیماً از وزارت اقتصاد.

6. بلند بردن آگاهی کارمندان حکومتی در مورد قوانین موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی.

7. ارایه/تامین امنیت در ساحات پروگرام ها و سلامتی کارمندان موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی.

## 3: مشوره ایکه با موسسات غیر دولتی بین المللی انجام شد

در حمایت از کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب، بنیاد آغا خان در افغانستان در هماهنگی با هماهنگی کمک ها برای افغانستان (اکبر) یک میزگرد مشورتی را با موسسات غیر دولتی بین المللی به تاریخ 5 می 2007 مصادف به 15 ثور 1386 در کابل تنظیم کرد. در این بخش مسایل را که مورد مناقشه قرار گرفت توضیح میدهد.

## تحلیل مسایل

- امنیت: امنیت موسسات غیر دولتی بین المللی مانع عمده فرا راه فعالیت های کامل موسسات غیر دولتی بین المللی تشخیص شد. با در نظر داشت وضعیت بی ثبات امنیتی، اکثر موسسات غیر دولتی بین المللی در ولایت های شرقی و جنوبی افغانستان فعال نیستند.

- تمویل کنندگان بر مناطق متشنج تمرکز می کنند مانند شرق و جنوب کشور: در حال حاضر، توجه تمویل کنندگان به شرق و جنوب، جاییکه تیم های بازسازی ولایتی PRT موقعیت دارند، معطوف گردیده است. پیداکردن منابع برای پروژه ها در شمال و غرب افغانستان در حال مشکل شدن است.

- کمبود منابع: فعلاً موسسات غیر دولتی بین المللی عمدتاً نگران حضور خودشان هستند؛ در یک محیط مالی در حال تغیر این ها مجبور هستند که برای اشتراک در مزایه پیشنهاد نوشته و برای حکومت یا منابع تمویل کننده دیگر مانند قرارداد کنندگان فرعی تقدیم کنند.

- از آنجاییکه فرصت های بزرگ برای سهمگیری وسیع مجتمعات وجود دارد، یک بینش وجود دارد که موفقیت کلی سهمگیری فردی آنها بصورت جدی متکی به وجود روابط قوی و ارتباط در داخل افغانستان است. اعضای مجتمعات که روابط قوی با افغانستان را حفظ کرده اند فکر میشود که نسبت به آنها بیکه ارتباطات اندکی دارند دارای یک نوع امتیازی اند.
- عدم علاقه مندی نسبت به ترک زندگی نو تاسیس شان در کانادا نیز وجود دارد: طور مثال، نمی خواهند یا نمی توانند که از خانه، مسلک و گرو ها بی بهره و محروم شوند.
- نگرانی وجود دارد که با عودت مجتمعات فرصت ها از دست میرود: از دست آنها بیکه در طول سال های جنگ و منازعه در افغانستان باعی ماندند.

- اکثر افغانهای عودت کننده پروسه جذب مجدد در کشور شان را بی نهایت پر چالش یافتند: اعضای این مجتمع که در کشور های غربی از موفقیت های برخوردار بودند، بعد از عودت شان به افغانستان اکثراً با مسائل پیچیده و مشکل روبرو می شوند.

- این مجتمع احساس یک تعهد اخلاقی برای سهم گرفتن بیشتر می کنند: اما اکثر آنها فاقد وسایل یا منابع هستند که با پیچیدگی های سرمایه گذاری در کشور شان بتوانند بصورت فردی کاری را انجام بدهند.

#### پیشنهادات

- پیشنهادات که از پس منظر اوراق و مطالعه قضایا بوجود آمده عبارت اند از (1) افزایش دسترسی به خدمات پولی؛ (2) روشن ساختن سیستم های حقوقی و مقرراتی که فعالیت های تجاری را تنظیم می کند؛ (3) تشویق سرمایه گذاری ها در بخش زیربنا و خدمات اجتماعی، باید ضرورت توسعه اقتصادی را مشخص و تجارت افغانستان را قادر به رقابت کردن بسازد. بر علاوه این، پیشنهادات ذیل صورت گرفت:

1. تاسیس شبکه های شورای تجار برای تشریح معلومات و تشویق و حمایت تلاش افراد سرمایه گذار.
  2. ایجاد یک شبکه سلامتی بیمه سببایدی شده برای سرمایه گذاران بلند مدت.
  3. توسعه عرضه کننده گان محلی برای تامین دسترسی و انتقال تکنولوژی بیشتر از آنچه که فعلاً تمویل کنندگان بین المللی انجام میدهند.
  4. نیاز های قوای بشری باید از طریق سرمایه گذاری در یک محدوده زیاد بالای معارف جوانان و مسلکی مرفوع گردد و همزمان با آن سیستم معارف افغانستان حمایت و دوباره احیا شود.
- اشتراک کننده گان بالای اهمیت آماده نمودن امکانات برای جوانان پراکنده که جدیداً از نهاد های کانادایی فارغ شده بودند و خواهان آن بودند که در داخل و یا خارج از موسسات دولتی برای کوتاه مدت و دراز مدت جابجا شوند، اصرار میکردند.

1. تطبیق قوانین سازگار و شفاف که فعالیت های موسسات اجتماعی و موسسات غیر دولتی بومی و بین المللی را تنظیم بکند.

2. تعیین یک شخص مرتبط برای گزارش دهی به ریاست موسسات غیر دولتی وزارت اقتصاد.

3. انکشاف معلومات واضح در رابطه به نقش و مسولیت های کار های خصوصی و حکومت.

4. تاسیس یک پالیسی و هیئت حامی برای موسسات غیر دولتی بین المللی.

#### 4. مشوره ایکه با مجتمعات افغانی در کانادا انجام شد

در حمایت از کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب، بنیاد آغا خان در کانادا و سفارت افغانستان در آن کشور میز گرد مشورتی را با نمایندگان مجتمعات افغان ها به تاریخ 29 مارچ 2007 مصادف به 9 حمل 1386 در تورنوو کشور کانادا دایر کردند. این بخش از مسایل را که در آن بررسی شد مطرح می کند.

#### تحلیل مسایل

مجتمع افغانها در مورد فرصت ها برای سهمگیری خوشبین بوده و اشدآ آرزو دارند که در این مورد سهیم شوند. مسئله این است که مجتمع افغانها باید بیشتر سهیم ساخته شوند، اما عوامل متعدد مانع سهمگیری آنها به تعداد زیاد میگردد.

پیام های کلیدی مطرح شده را به بخش های ذیل تقسیم می کنیم (1) آنها بیکه تمام سرمایه گذاری های بلند مدت در افغانستان را متأثر می سازند؛ (2) مسایل که بسیار محدود به تجربه مجتمع افغانها است.

مسایل و چالش های مشترک برای تمام سرمایه گذاران بلند مدت

- عدم اطمینان نسبت به آینده ثبات در کشور: حمایت دوامدار جامعه جهانی یک پیام قوی اطمینان به تمام سرمایه گذاران بلند مدت میفرستد، و این برای خوشبین بودن نسبت به توسعه آینده بسیار مهم است.
- امنیت سرمایه گذاری: اکثر اشتراک کننده گان به چالش های که مربوط به چارچوب حقوقی، مقرراتی و اداری تجارت، سرمایه گذاری و مجوز تجارت می شود منعی یک مشکل همیشگی یاد کردند. مسئله سند مالکیت زمین و حقوق ملکیت برای بازگشت افغانها از اهمیت بخصوص برخوردار است.
- موانع موجود فرا راه تجارت و انکشاف اقتصادی: ناشی از فقدان زیربنا های اقتصادی در کشور، خصوصاً فقدان دسترسی به انرژی قابل اطمینان برق می شود.
- قلت منابع بشری موجود در کشور: این تنها به فعالیت های تجاری یک مانع نیست، بلکه اینطور نگاه می شود که بخاطر گران بودن کارگران ماهر در مقایسه با منابع بشری در منطقه، تصدی های افغانی را کمتر قادر به رقابت میسازد.
- فقدان دسترسی به وجوه پولی، بیمه و خدمات دیگر مالی: منعی یکی از موانع در تاسیس و توسعه سرمایه گذاری مجتمعات در کشور ذکر شد.

## 5. اختتام بوسیله افغانان پراکنده در جرمنی

مارکیت ها شوند، بخصوص اینکه سرمایه‌گذاران کوچک و متوسط در تناسب به سرمایه‌گذاران بزرگ و متفقد، منابع و سرمایه محدودی را در اختیار دارند.

- اصول و مقررات ترانسپورت بین المللی و هزینه های بسیار بلند توريد و صدور زمینی مشکلات جدی را برای انتقال کالا های تجاری ایجاد نموده است.

یک کمپنی ترانسپورتی خاطر نشان ساخت که عدم موجودیت سرک های درست مشکل عمده دومی برای ترانزیت های انتقال از سرحد میباشد. کالا های تجاری که از طریق زمین به افغانستان وارد میشود چندین مرتبه باید در سرحدات خالی و دوباره بارگیری شوند.

- کمبود معیارها، کنترول کیفیت و سایر ظرفیت ها در حکومت افغانستان از جمله مسایل فر اگیر میباشدند.

تصدی هایکه مشغول تجارت تجهیزات انرژی آفتابیی میباشدند، مستلزم اند تا مشتریان خویش را مشوره درست بدهند. باوجود آنکه در ریاست انرژی قابل تجدید وزارت انرژی و برق کدام شخص متخصص در این تکنالوژی وجود ندارد(تا کیفیت پیروسس را کنترول و تحلیل های ابتدایی را راه اندازی نماید) ولی با آن هم این تکنالوژی از طریق پروگرام همبستگی ملی جابجا میشود.

- کمبود پرسونل شایسته و کارا حکوت در مورد چندین مرتبه به حیث مانع عمده شناخته شده است.

آموزش های تخنیکیی: در ارتباط به تکنالوژی های جدید نهاد های آموزشی مناسب کاملاً وجود ندارد (مانند انرژی آفتابیی). برای سکتور خصوصی نهایت مشکل است تا این خالیگاه را پر کند، زیرا مردمیکه در داخل به هزینه تجارت آموزش دیده اند، بزودی بعد از اكمال آموزش تصدی را ترک مینمایند. کمبود مدیران موجود است؛ تاجران افغانی اکثرأ مدیران پاکستانی را، به علت عدم دریافت مدیران شایسته افغانی، استخدام میکنند.

تاکید زیاد برسر این است تا کابل و سایر شهر های بزرگ انکشاف داده شود، زیرا نه میشود با فشار قوی و سریع افزایش آن مقابله کرد. دلایل آن محلات کوچک و کثیف، افزایش سطح جرایم، برای اکثر مردم داشتن سطح زندگی دور از کرامت انسانی، بخصوص اطفال، است. تاکیدی زیادی بالای حمایت از انکشاف حکومت محلی شد که مردم را قادر میسازد تا در محلات کوچک و قراء زندگی شان را بسازند.

- کمبود نهادینه ساختن رابطه میان افغانان پراکنده و جامعه مدنی. عموماً روشن شد که علاقه زیاد وجود دارد که نه تنها بالای تصدی ها در افغانستان سرمایه گذاری شود، بلکه نهاد های بشر دوستانه غیر انتفاعی نیز مساعدت شوند، باوجود اینکه افغانان مقیم در جرمنی نه میدانند که چطور مساعدت های شانرا پیشکش نمایند. دوجانب نیاز به یک هماهنگی و نهادینه ساختن و هم چنان حمایت قوی از طرف حکومت برای فعال ساختن نیروی بزرگ موجود، دارند.

هامبورگ با داشتن بیش از 400 تاجر قالین، که 40 فیصد آن افغان اند، بزرگترین مرکز تجارت قالین در جهان محسوب میشود. تا هنوز صنعت قالین افغانی مقیم در هامبورگ، صنعت قالین باقی مقیم در افغانستان را مستفید نساخته است. آنها زیاد علاقه مند اند تا مساعدت کنند ولی همکار با اعتماد که در افغانستان با آنها در ارتباط باشد، ندارند. اطاق تجارت قالین بافان میتواند این نقش را ایفاء کند.

در حمایت از کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب، شبکه انکشافی آغا خان و سفارت افغانستان در جرمنی میز مدور را با اشتراک نمایندگان افغانان پراکنده به تاریخ 14 می سال 2007 (24 ثور 1386) در هامبورگ جرمنی تشکیل دادند. این قسمت مسایل مورد بحث را برجسته میسازد.

### تحلیل مسایل

یک سلسله مسایل مطرح شد که تعدادی زیادی آن پیام های سایر جلسات مشورتی، تحقیق و مباحثه ها را تایید میکرد.

- امنیت یک مسله مهم برای افغانان پراکنده جرمنی میباشد؛ هراس از زندگی و ملکیت، اعضای پراکنده را از سرمایه گذاری کردن دلسرد میسازد.

تصور عمومی در آنجا چنین است که حکومت به قدر کافی از سرمایه‌گذاران حمایت نه میکند(الف) عدم هماهنگی و غیر قابل پیشگویی پیام ها در شماری از وزارتخانه ها، بویژه در مورد پرداخت مالیات و محصول گمرکات، (ب) فساد اداری گسترده، و (ب) بیورکراسی نهایت طاقت فرسا، بشمول باز یافتن اثاثه های قبل از جنگ.

یکی از اشتراک کنندگان بعد از یک سال کار تشدید با دستگاه دولتی بشمول وزارت مسؤل، توانست تا امورات اداری ادعا ملکیت قبل از جنگ خویش را انجام دهد. در جریان این کار چندین بار تقاضا رشوه از وی شده است.

حکومت و سایمن موافقت نمودند که سایمن صد هزار گروپ وارد و بر اساس غیر انتفاعی بفروش برسانند. ولی زمانیکه مال التجاره مواصلت نمود، مسؤلین گمرک اصرار می ورزیدند که محصول مکمل را وضع مینمایند.

یک تاجر در یک از قرائ وردگ اشیای بادی کوچک و سیستم های انرژی آفتابیی را بر اساس غیر انتفاعی تولید مینماید، برای تولید این اشیای او نیاز دارد تا پلیت های آفتابیی (سولر پنل) را وارد نماید. مسؤلین گمرک استدال نمودند که او نتوانسته است تا ثابت نماید که این پلیت ها را در مارکیت کابل بفروش نه میرساند، فلینذا بر علاوه 3 فیصد محصول گمرک برای توريد مابع وسایل تولیدی، 12 فیصد محصول گمرکی را بالای آن وضع نمودند.

- هزینه تولید محصولات در افغانستان به تناسب کشور های همسایه بسیار بلند میباشد. فکتور های عمده در این جا قرار ذیل اند(الف) کمبود انرژی قابل اعتماد و ارزان و (ب) هزینه بلند کارگر بخصوص در مقایسه با پاکستان.

با پایان یافتن جنگ 5 سال قبل، شماری زیادی از قالین بافان افغان از پشاور به کابل نقل مکان نمودند. باوجود آنکه تسهیلات شستشویی قالین در افغانستان وجود ندارد، نصب یک دستگاه سرمایه گذاری زیادی را احتوا میکنند. همچنان این موضوع به علت کمبود دسترسی به زمین، آب و برق مورد نیاز(بشمول امنیت مستخدمین) امکان پذیر نیست. مزید بر این هزینه بلند کارگر در افغانستان رقابت در این سکتور را بیش از پیش متضرر میسازد. بدین محلوظ شماری زیادی از قالین بافان افغانی، مثل سالهای جنگ، دوباره به شهر پشاور نقل مکان نمودند.

- مارکیت ها در افغانستان اکثرأ تحت سلطه افراد نیرومند میباشد. بنا برای تصدی های کوچک و متوسط مشکل است تا داخل این

## پیشنهادات

1. ایجاد یک نهاد مخصوص تنظیم کنترل معیار ها در داخل وزارت انرژی.
2. آماده ساختن آموزش های تکنیکی و ایجاد ظرفیت، بویژه برای کارمندان وزارت.
3. تامین هماهنگی بیشتر میان اعطا لایسنس، ثبت، توافقات و طرز العمل های گمرکی و تطبیق آن.
4. انتقال توجه از کابل برای متنوع ساختن انکشاف و سرمایه گذاری در مرکز ولایات.
5. تامین این امر که برای سرمایه گذاران کوچک منابع کافی سرمایه وجود داشته باشد.
6. انکشاف شرایط برای محصولات، نه تنها تجارت.
7. ایجاد میکانیسم حل مسایل و مشکلات برای تصدی های کوچک.
8. بهبودی رقابت از طریق تشویق صادرات (طوری که در کشور پاکستان وجود دارد)؛ و هزینه انرژی و امنیت باید کاهش داده شود.
9. تسهیل فعالیت های غیر انتفاعی، بعوض اینکه بالای آن مالیات اضافی وضع نمود.
10. بهبود وضعیت امنیتی.
11. ایجاد یک نقطه تماس با اعتماد در داخل حکومت برای سرمایه گذاران ذینفع و افغانان پراکنده که میخواهند در انکشاف افغانستان از طریق پرداخت اعانه و یا اشخاص مسلکی سهم شوند. وظیفه ایسا خیلی محدود است که بتواند نیاز های سرمایه گذاران را مرفوع سازد.